

THANOS

MARVEL

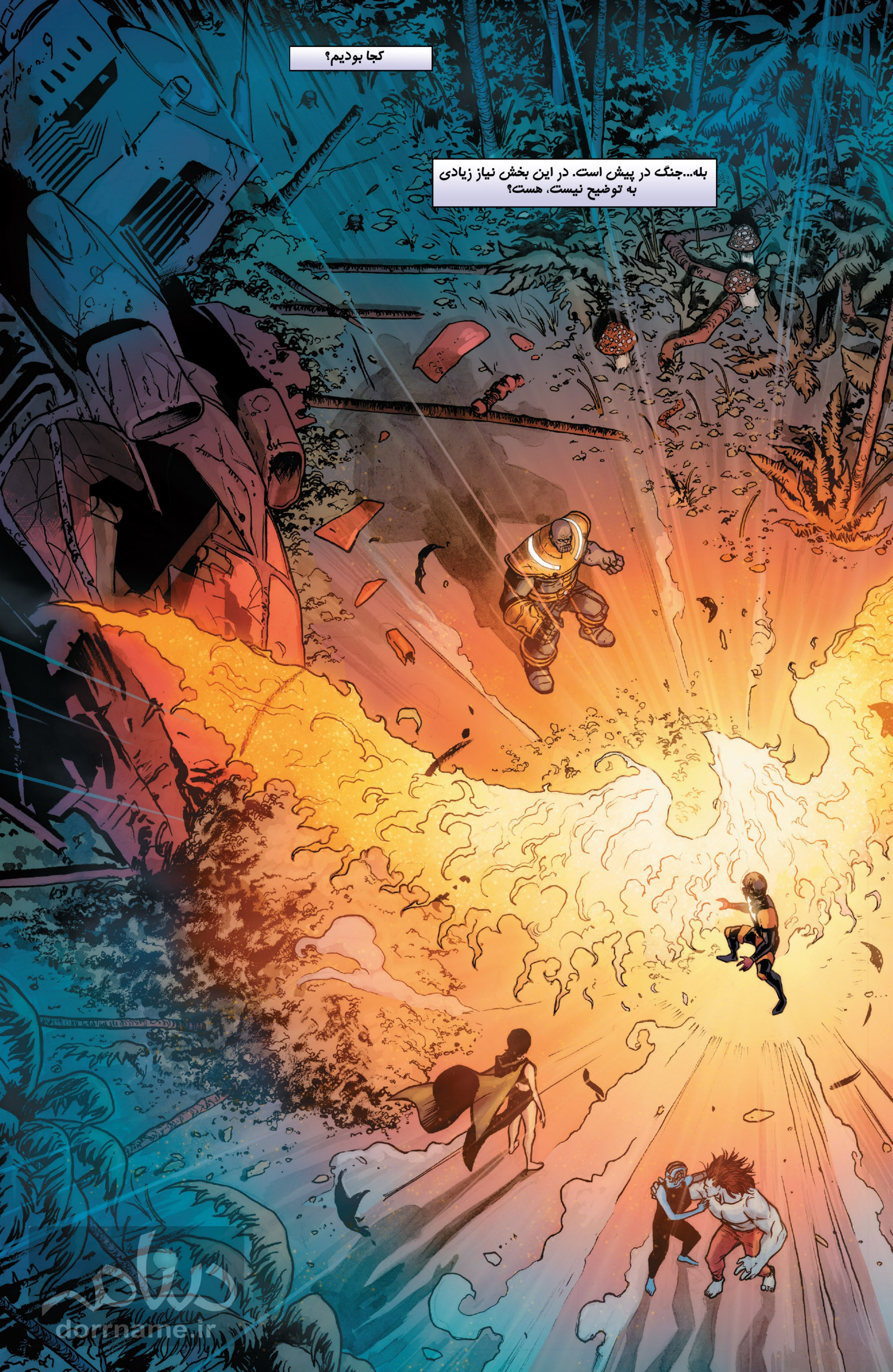
#11

LEMIRE
PERALTA
ROSENBERG



کجا بودیم؟

بله... جنگ در پیش است. در این بخش نیاز زیادی
به توضیح نیست. هست؟





همانطور که گفتم نیازی به کلمات
نیست. بگذار جنگ شروع شود...



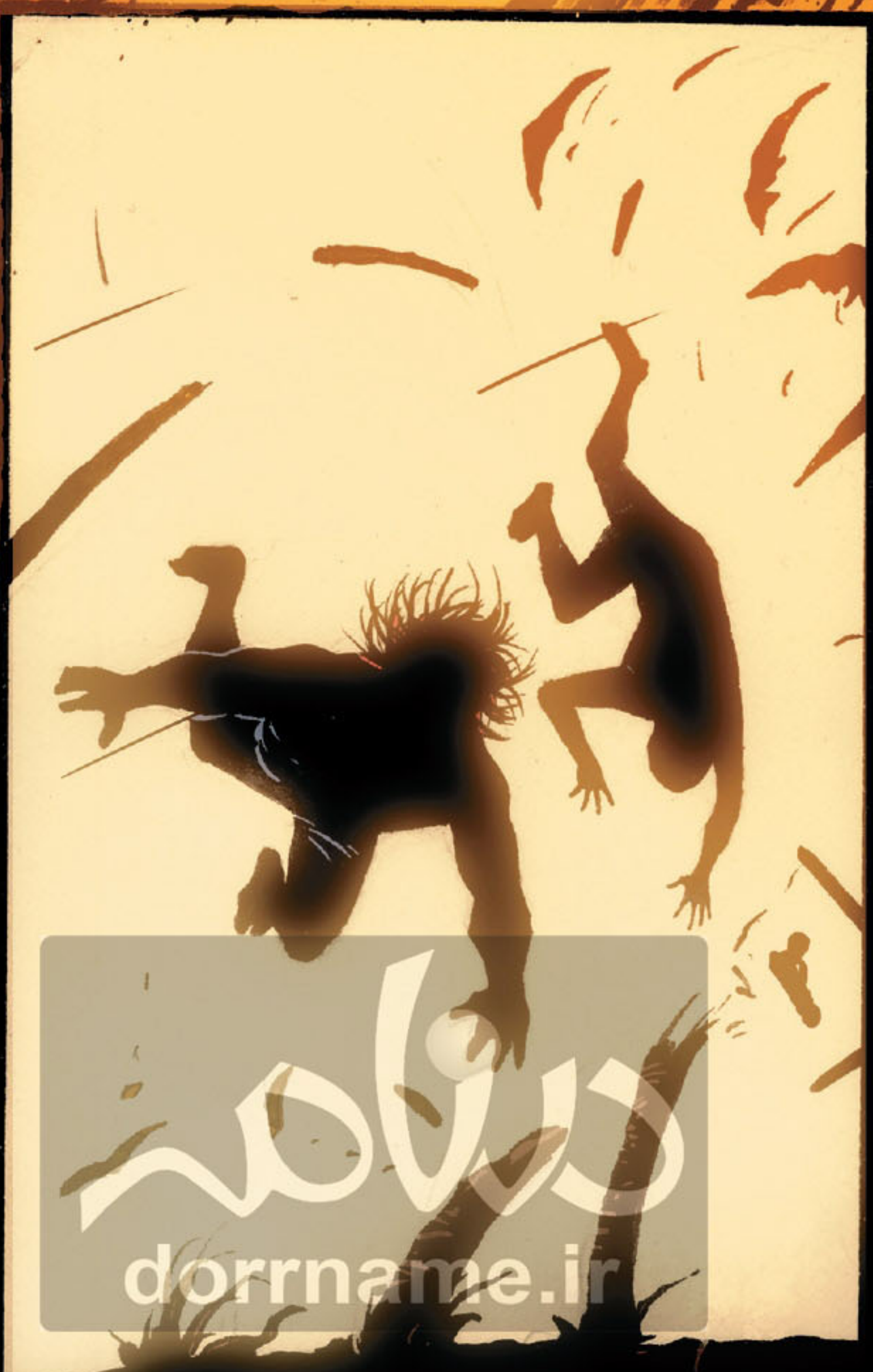
بیا
بریم!



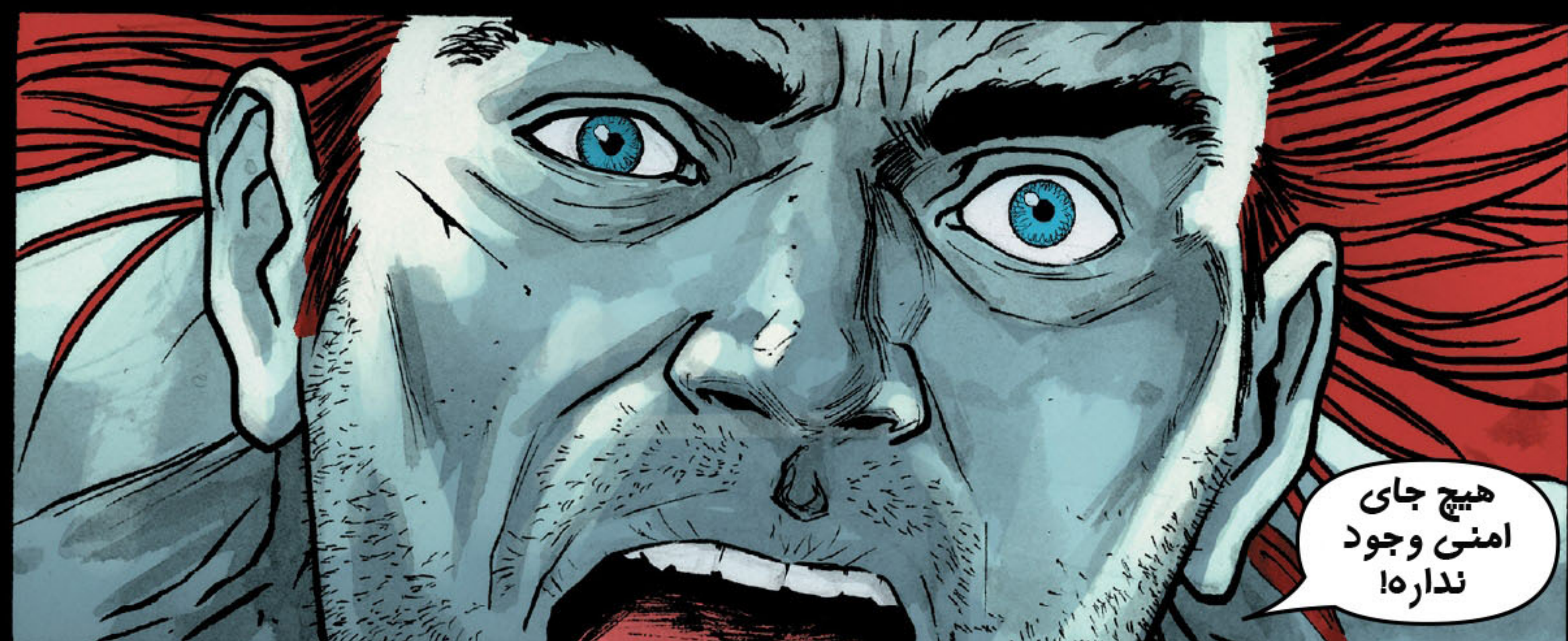
کجا بریم؟!



باید به
جای امن پیدا
کنیم!



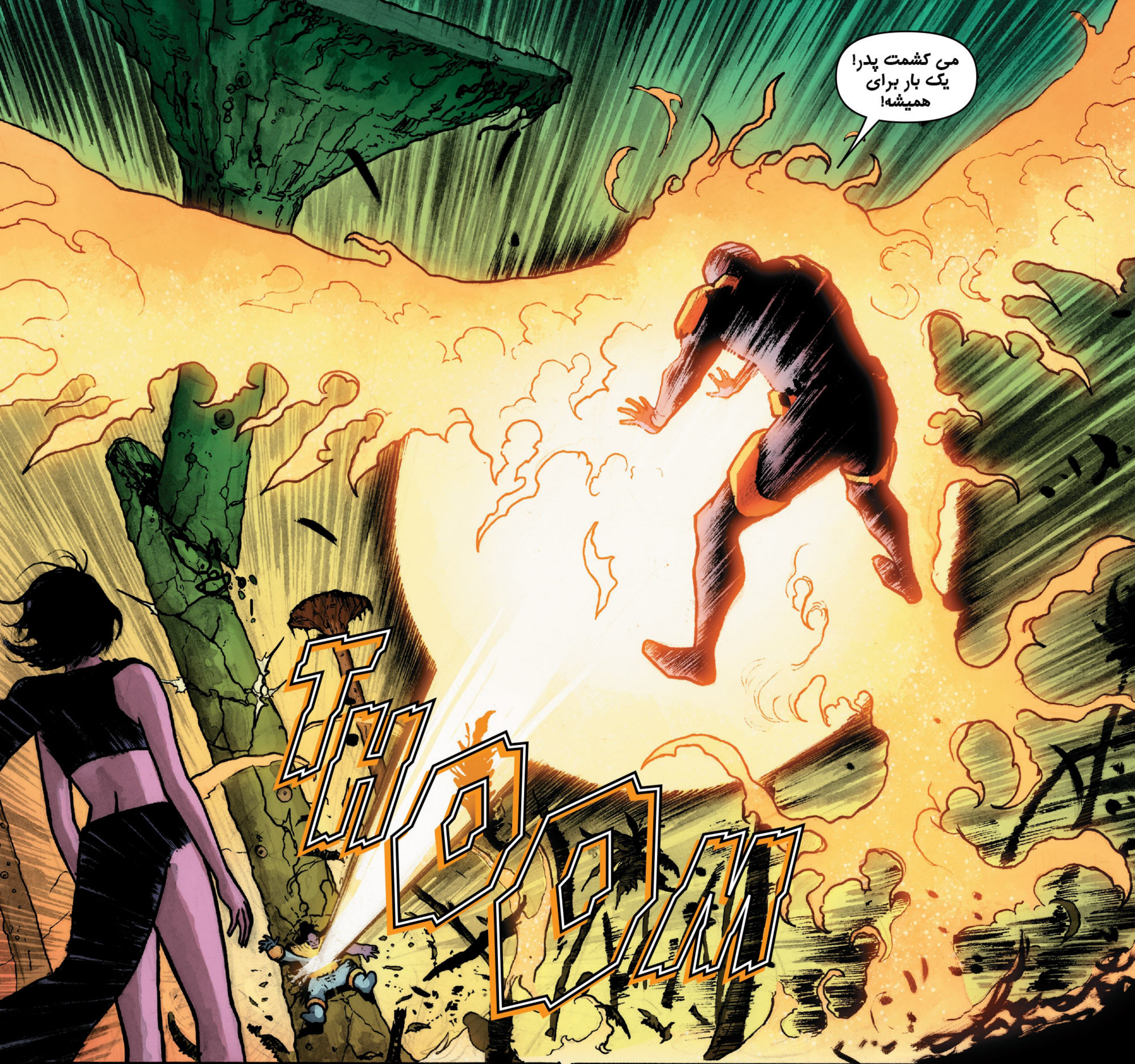
گفتی امن
نییولا؟



هیچ جای
امن و جود
نداره!

دورنامه
dorrname.ir

می کشمت پدر!
یک بار برای
همیشه!



او خود مرگ است، اوست که همه این مسائل
را طرح ریزی کرده و تنها خود او از دلایزش
اطلاع دارد.



این همه صحبت از
مرگ او را شاد می کند،
چون اوست که همه این
نقشه ها را پیاده کرده.
اوست که نخ همه ماجرا
دست اوست.





باه! چقدر کلیشه ای
حرف می زنی پسر!

همون کلیشه هایی
که هر بچه نق و آب
دماغ آویزونی بعد از ناامیدی
به رسیدن به پدرش
می رنه!



چیکار
داری
می کنی!؟

لباس های
فضایی تو سفینه
هستند!



حق با تونه
تریکو. الان دیگه هیچ
جای امنی تو این سیاره
وجود نداره...



باید ازش
خارج بشیم.

خیلی وقت پیش
باید از شرت خلاص می شدم
تین. باید همون وقتی که تو رحم
مادرت بودی از شرت خلاص
می شدم!

اونگ!

اینجا سیستم
ناوبری دارند؟

نه، ولی
پیشرا نه داره.

خوب حالا
وقتی از این
سیاره بریم، کجا
باید بریم؟

اونگ!



WHAP

ساکت
پیر مرد...



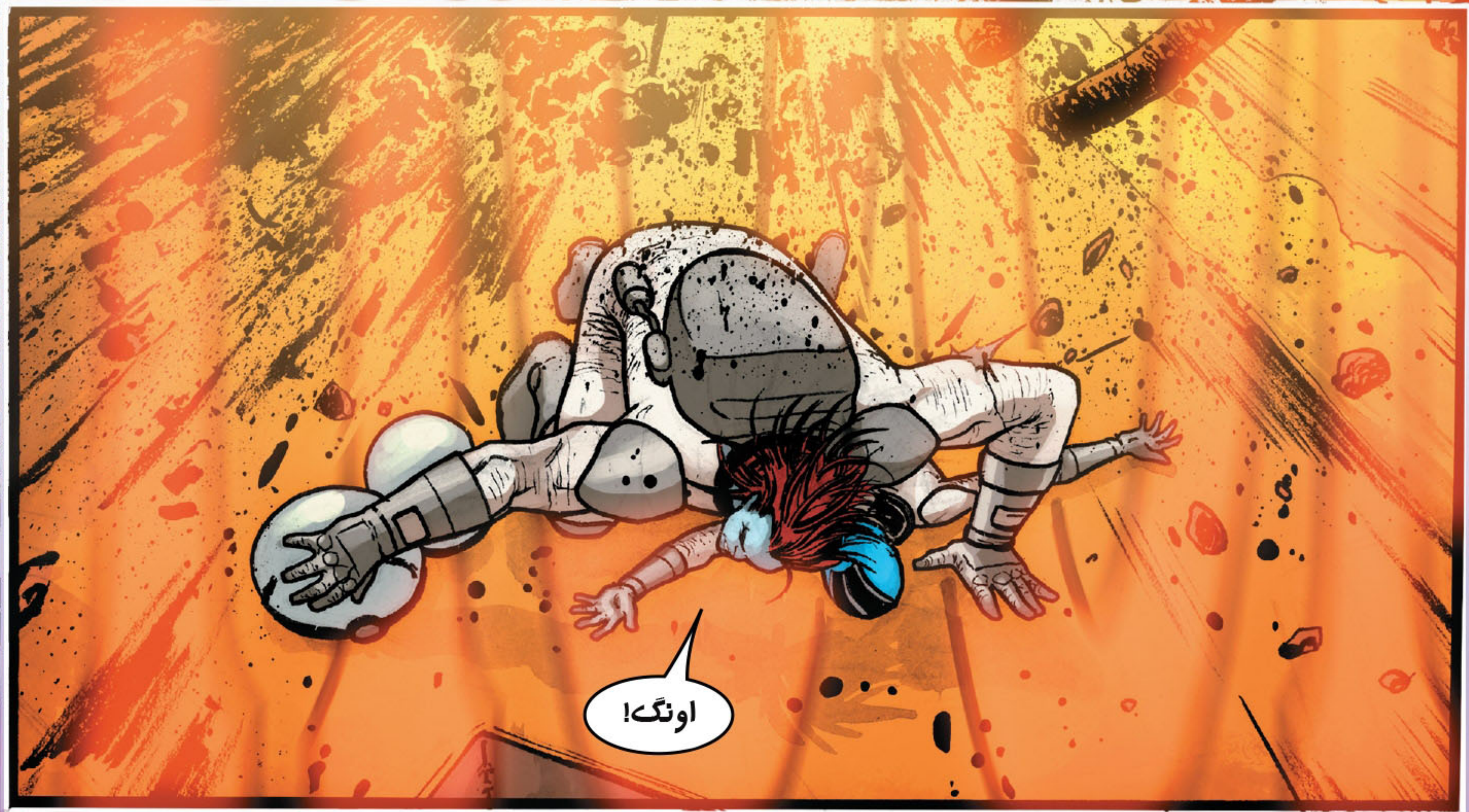
نیپولا؟!



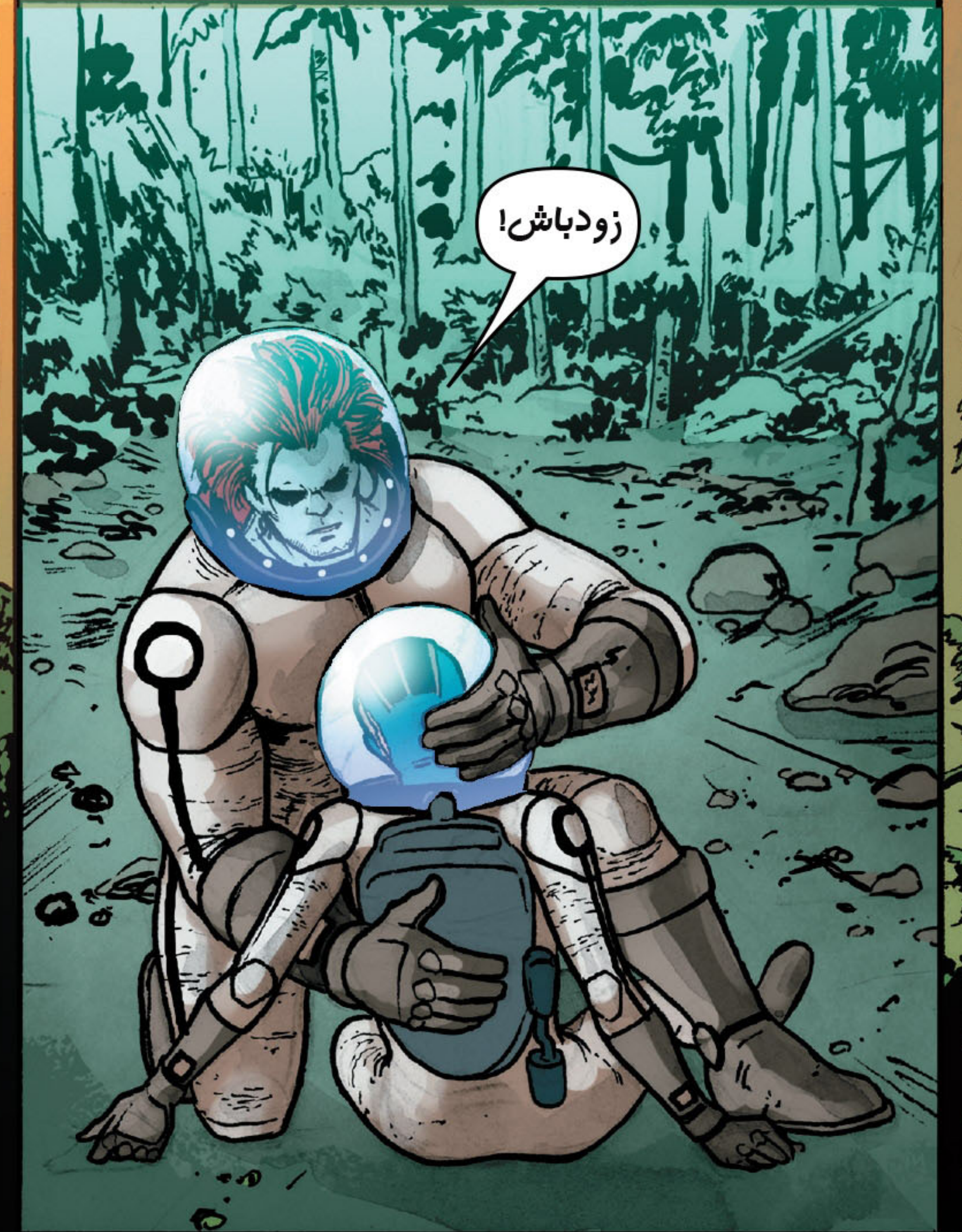
نیپولا!
بیدار شو
لعنتی!



زمانت به سر
رسیده. ولی دوران
من تازه شروع
شده.



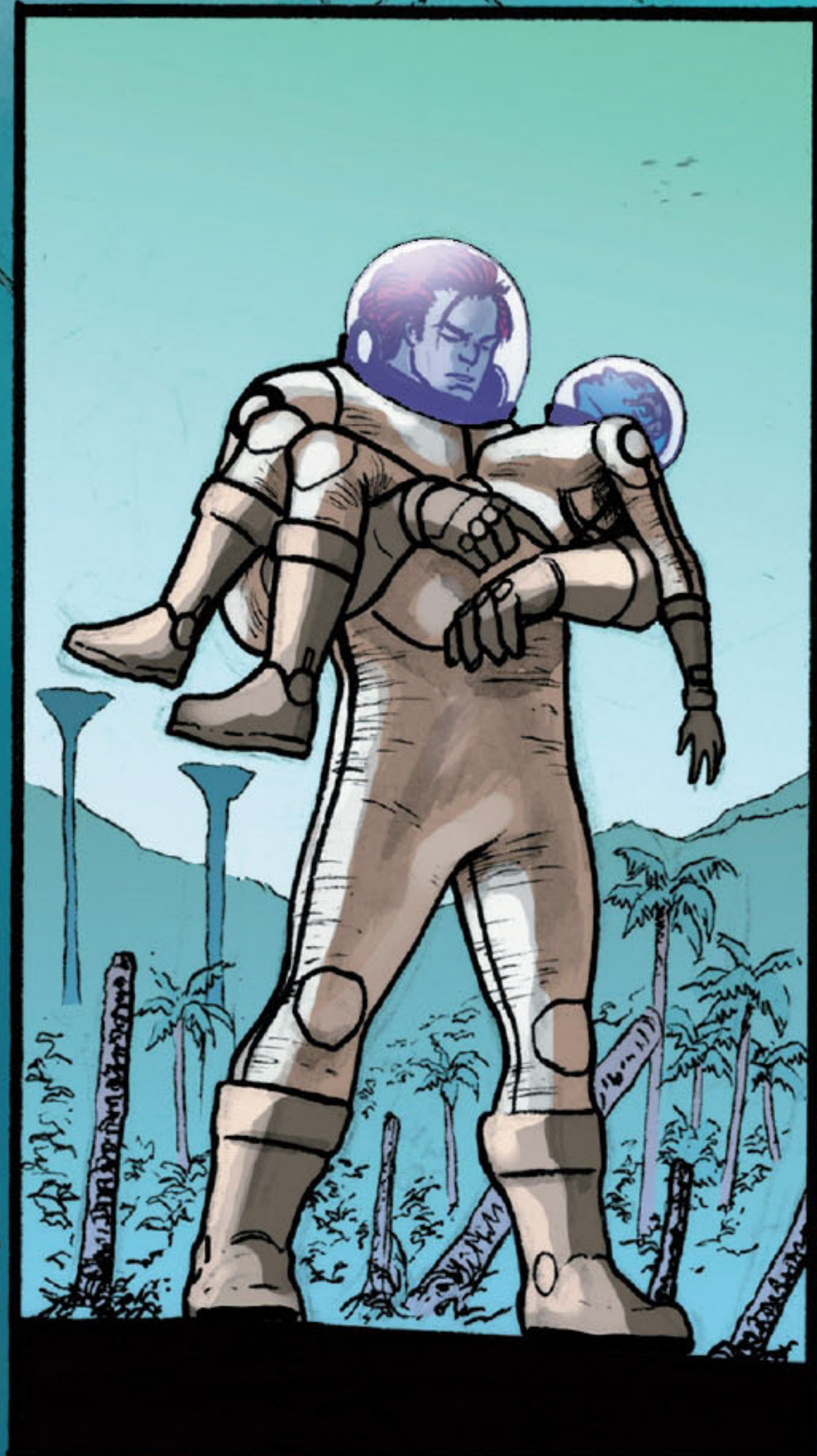
اونگا!





زور بزن پسر!
اصلاً نمی‌دونی با
قدرتی که داری چطور
برخورد کنی!

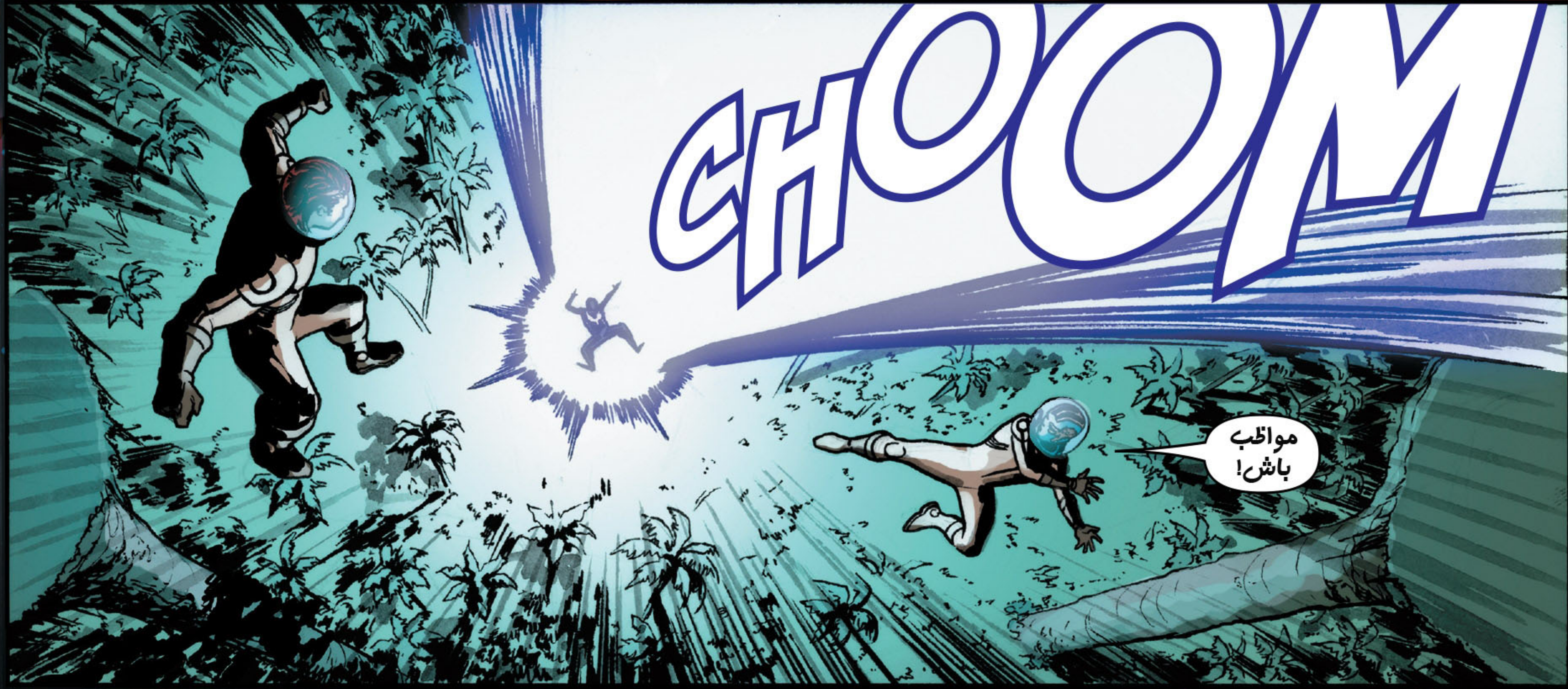
آآررررگے!



تو...داری
منو حمل می کنی
تريكو؟

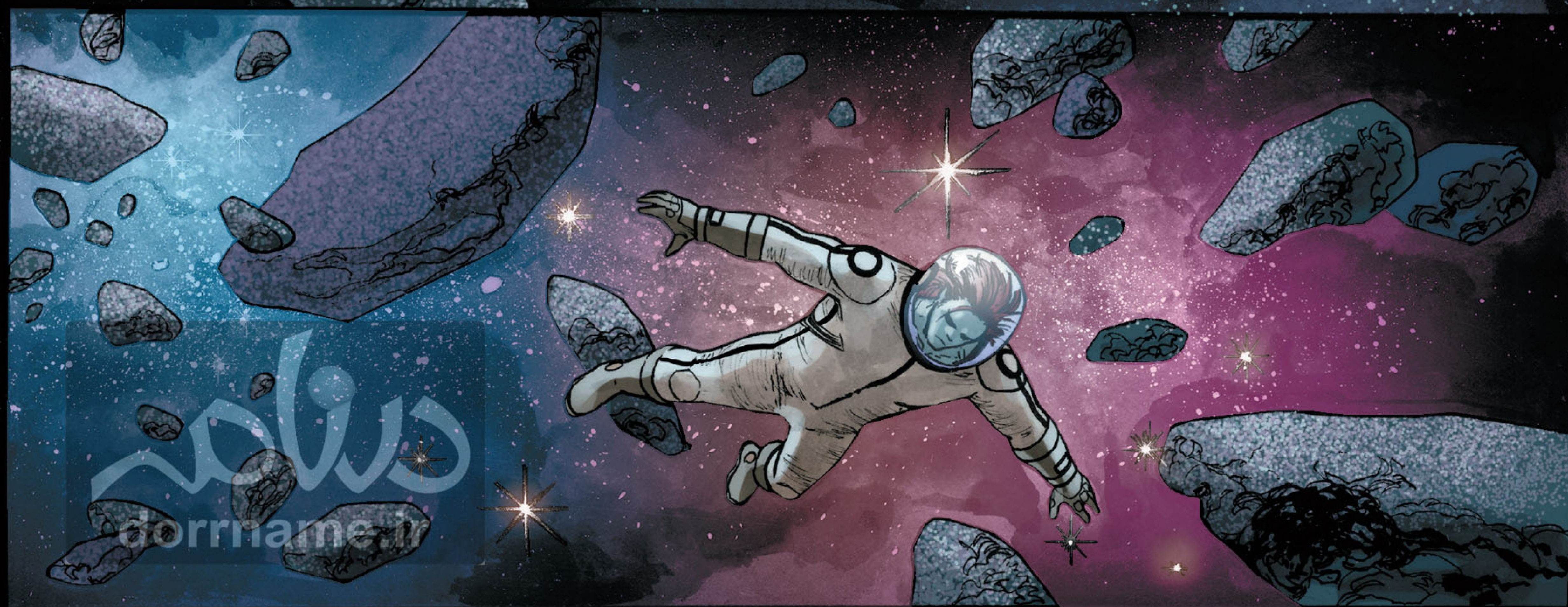
زیادی بزرگش
نکن. فقط دارم از این
سیاره دور می شوم.







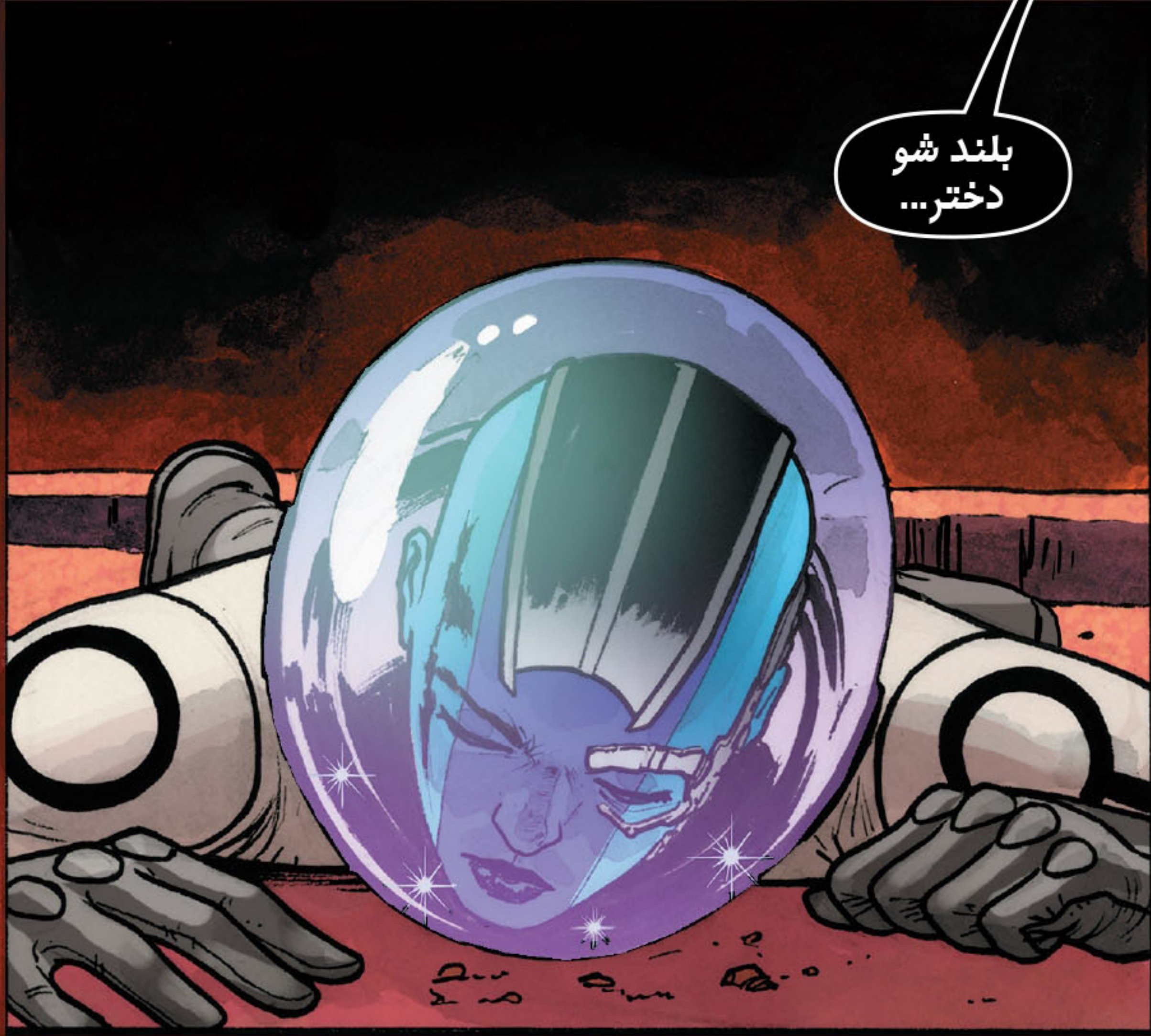




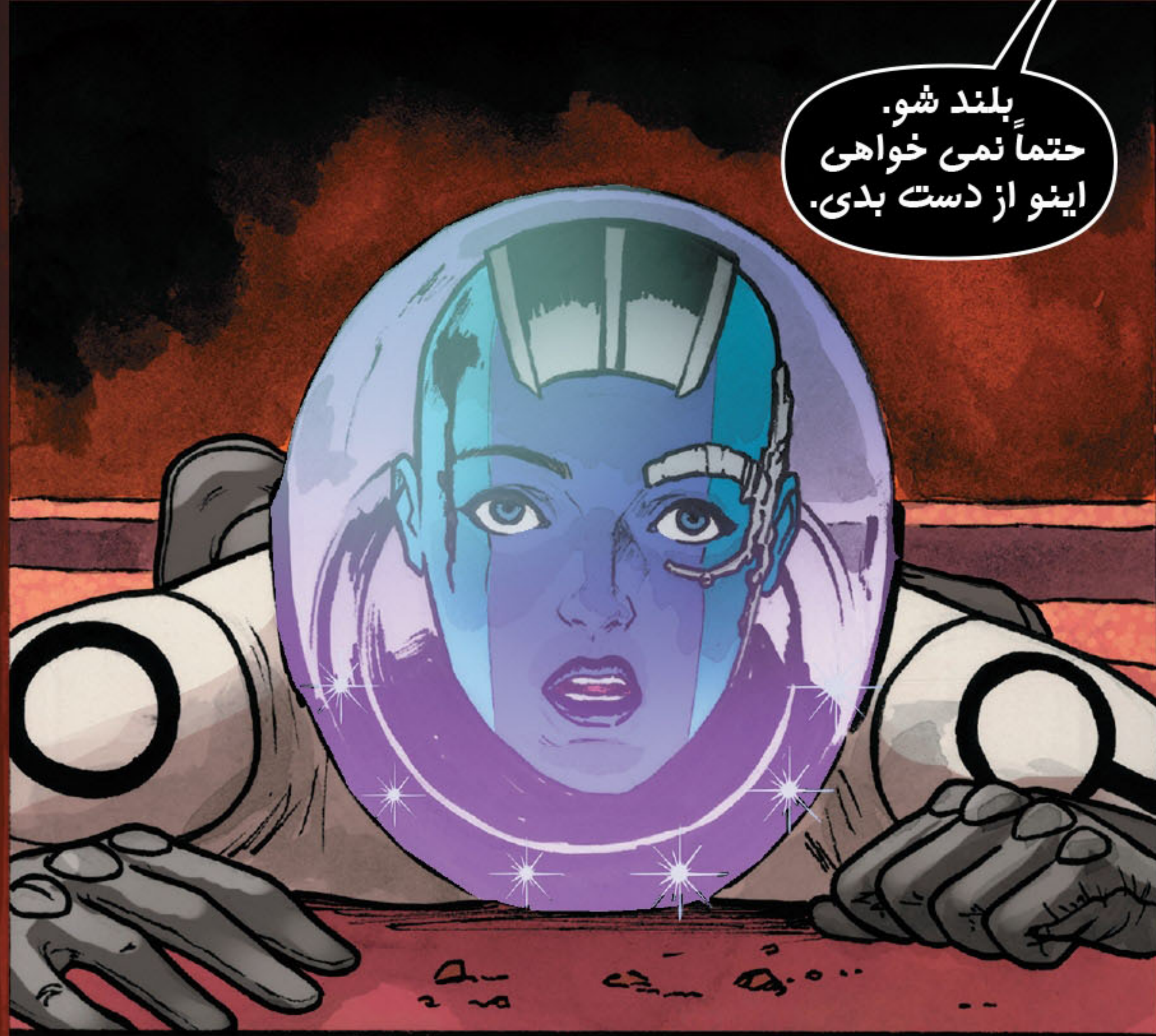








بلند شو
دختر...



بلند شو.
حتماً نمی خواهی
اینو از دست بدی.



پاشو
آخرین مبارزه رو
از دست ندی...

پدر در
برابر پسر در پایان
دنیا...

روز تصفیه حساب!

ادامه داردا